

راهبردهای تعلیم و تعلم زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش

[Pedagogy and Strategies of Persian Language and Literature in Bangladesh]

Dr. Abdul Karim

Associate Professor, Department of Persian Language & Literature, Chittagong University, Bangladesh

ARTICLE INFORMATION

The Faculty Journal of Arts
Rajshahi University
Special Volume-7
ISSN: 1813-0402 (Print)

Received : 19 February 2025
Received in revised: 08 April 2025
Accepted: 16 March 2025
Published: 25 October 2025

Keywords:
Language, Literature, History, Method,
Influence, Advice

ABSTRACT

Bangladesh has maintained a close relationship with the Persian language and literature for centuries, influenced by political, commercial, religious, and cultural factors. From 1204 to 1837 CE Persian was the official language of the country. That is why it resulted in a rich tradition of admiration and enthusiasm for Persian literature. The teaching strategies for the Persian language and literature in Bangladesh aim to highlight its significance as an integral part of the nation's historical and cultural heritage. The Persian language has profoundly influenced literature, philosophy, and historical documentation in Bangladesh, making its study particularly important. Various methods have been adopted to make this educational process more effective and engaging for students. Persian literature surrounded by poetry, philosophy, and mystical writings, is historically significant and provides students access to a broader cultural perspective. Modern teaching methods, such as multimedia resources, digital content, and online learning platforms, allow for interactive and flexible learning experiences in Persian. Focusing on listening and speaking skills, students are encouraged to use Persian actively, which enhances their understanding of the language and its practical use. Short-term courses, cultural seminars, and workshops with experts from Persian-speaking countries offer students a deeper understanding of authentic Persian usage and culture. Such programs provide experiences that connect students with the language's practical and cultural aspects. This article assesses and analyzes the pedagogy and strategies for teaching the Persian language and literature in Bangladesh.

مقدمه

زبان بهترین وسیله ارتباطی میان مردم جهان محسوب می شود. یادگیری زبان های مختلف، مهارت های ارتباطی ما را افزایش می دهد و فرصت های بهتری را فراهم می آورد. در اروپا عموم مردم به طور متوسط به سه زبان یا بیشتر مسلط هستند. امروزه در بنگلادش نیز اهمیت زیادی به یادگیری زبان های جهانی متعدد داده می شود تا برای مواجهه با چالش های جهانی، توان رقابتی خود را افزایش دهند. با این حال، بنگلادش دارای پیشینه ای بسیار قدیمی از ارتباط با زبان های گوناگون است که زبان فارسی یکی از آنها به شمار می رود. زبان فارسی زبان دانش، حکمت، تمدن و فرهنگ است و ادبیات فارسی یکی از زرق و برق ترین شاخه های ادبی جهان است. بنگلادش نیز از دوره پیشاتاریخی با ایران و زبان و ادبیات فارسی پیوند عمیقی داشته است. تقریباً در طول هفت قرن (از سال های ۱۲۰۳-۴ تا ۱۸۳۷ میلادی) - یعنی از آغاز حکومت مسلمانان تا میانه های دوره استعمار بریتانیا - فارسی زبان رسمی کل شبه قاره هند از جمله بنگال باستان بود. بنگلادش که بخشی از شبه قاره به شمار می رفت، از این قاعده مستثنی نبود. بنابراین، بنگلادش از جنبه های تاریخی، مذهبی، زبانی، ادبی و فرهنگی ارتباط معنوی عمیقی با ایران و زبان فارسی دارد. در نتیجه ای این ارتباط، شمار زیادی از واژگان فارسی به طور مداوم وارد زبان بنگالی شده است. بی تردید منشأ تاریخ و میراث فرهنگی بنگلادش

مستقیماً با زبان فارسی مرتبط است. از این رو نباید درباره ضرورت آموزش و یادگیری زبان فارسی در بنگلادش تردید داشت. متأسفانه امروزه جایگاه و کاربرپذیری آموزش و یادگیری زبان فارسی در کشور ما زیر سؤال رفته و دیدگاه‌های منفی از سوی طبقات تحصیل کرده و نخبگان جامعه نیز شنیده می‌شود. پس زمان آن فرا رسیده است که اهمیت عظیم آموزش و یادگیری زبان فارسی را در شرایط مدرن به نمایش بگذاریم. در این مقاله پژوهشی قصد داریم وضعیت زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش را از جنبه‌های گوناگون تاریخی، فرهنگی، عرفانی، زبانی و ادبی مورد بحث قرار دهیم و راهبردهای تعلیم و تعلم زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش را بررسی کرده‌ام. همچنین در پایان به چالش‌های پیش‌روی این راه اشاره‌ای خواهیم داشت.

ارتباط میان زبان بنگالی و فارسی

همه می‌دانیم که فرهنگ محلی بنگالی، از جمله زبان، ادبیات و باورهای معنوی آن، تأثیر گسترده‌ای از زبان و فرهنگ فارسی گرفته است. اما همه با تاریخ شکل‌گیری این ارتباط تأثیرگذار آشنایی ندارند. بنگلادش بخشی از بنگال باستان بود که زمانی به‌عنوان یکی از نواحی پُرونوق در تاریخ تمدن جهان شناخته می‌شد. از سوی دیگر، ایران کنونی یکی از کانون‌های تمدن کهن فارسی و مهد یک تمدن درخشان به‌شمار می‌رفته است. از آغاز تاریخ، تمدن فارسی و زبان فارسی با شبه‌قاره در ارتباط بوده و دو تمدن به یکدیگر نزدیک شده‌اند. از طریق سواحل دریایی بنگال، انواع کشتی‌های تجاری از راه آب به خلیج فارس رفت و آمد داشتند. نتیجه آن شد که ایران فقط یک رابطه تجاری با شبه‌قاره نداشت، بلکه رابطه‌ای فرهنگی نیز برقرار شد که بعدها به دربارها، جامعه و هنر و ادبیات بنگال نفوذ یافت.^۱

روند گسترش زبان و فرهنگ فارسی که با ورود مسلمانان به بنگال آغاز شد، توسط صوفیان فارسی‌زبان در دوره‌های سلطان‌نشین و مغول تا دورافتاده‌ترین نقاط این منطقه انتشار یافت. نه تنها مسلمانان محلی، بلکه اعیان هندو و پروان ادیان دیگر نیز این زبان و ادبیات غنی را می‌آموختند.^۲ اهمیت یادگیری زبان فارسی در قرن هجدهم در میان کارمندان شرکت شرق هند نشان‌دهنده‌ی کاربرد فراوان این زبان در دوره‌ی مغول و حتی استفاده‌ی ادامه‌دار آن در دوران اولیه‌ی استعمار بریتانیا است. در آن زمان، انگلیسی به عنوان زبان دولت جایگزین فارسی شد تا ملت بنگالی را از تاریخ پرشکوه خود جدا و بی‌خبر نگه دارد؛ زیرا بریتانیایی‌ها می‌خواستند بنگالی‌ها را از هویت و سنت‌های متمایز خود دور کنند.^۳ در نتیجه، نسل حاضر بنگلادش ارتباط خود را با تاریخ کهن و آثار ارزشمند نیاکانشان از دست داده است. تنها با شناخت این زمینه است که می‌توان اهمیت و کلیت کاربرد زبان فارسی در بنگلادش را فهمید.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش

از جنبه تاریخی

زبان فارسی پیوند ناگسستنی با تاریخ و سنت گذشته بنگلادش دارد. نیازی به گفتن نیست که تدریس و یادگیری زبان فارسی در بنگلادش چه‌قدر مهم و ضروری است. تنها مورخان و پژوهشگران ریشه‌ای از نزدیکی و جدایی‌ناپذیری رابطه میان زبان فارسی، بنگلادش و زبان بنگالی آگاه هستند. تا کنون نمی‌توان به‌طور دقیق گفت چند کتاب به زبان فارسی در منطقه بنگال نوشته شده. همچنین، هزاران نسخه خطی فارسی باستانی همچنان در موزه‌ها و کتابخانه‌های ملی و دانشگاهی بنگلادش حفظ شده است. بسیاری از خانواده‌ها مجموعه‌های خصوصی از نسخه‌های قدیمی فارسی را به‌عنوان میراث گران‌بها دارند که اکنون قادر به خواندن آن‌ها نیستند.^۴ در این زمینه، نیاز به پژوهش گسترده و دقیق برای

دستیابی به اطلاعات کامل و واقعی وجود دارد؛ کاری که بدون فراگیری صحیح زبان فارسی میسر نخواهد بود. از سوی دیگر، تمام بنگلادش انباشته از آثار تاریخی ارزشمند است. در این منطقه، بقایای گرانبهای از دوران طولانی حکومت مسلمانان پراکنده‌اند که در قالب کتیبه‌ها، سکه‌ها، متون خطی و آثار هنری (از جمله هنر خوشنویسی) دیده می‌شود. رمزگشایی و ترجمه اطلاعات نهفته در این کتیبه‌ها، سکه‌ها و ابنیه گرانبها نیازمند پژوهشگرانی خبره است که به زبان و سبک فارسی آشنا باشند. تنها از این طریق می‌توان تاریخ حقیقی و میراث اصیل ملت خود را نجات داد.^۵

از جنبه فرهنگی

در بنگلادش نیز به نوعی نفوذ فرهنگ ایرانی از نفوذ زبان فارسی محسوس‌تر است. تأثیر واژگان فارسی بر نام‌گذاری افراد و اماکن در بنگلادش به‌وضوح مشهود است. نام‌های رایج مردانه مانند علی، احمد، سهراب، جهانگیر، فرهاد، فرزاد، حسین، رضا، نادر، سلمان و نظایر آن و نام‌های زنانه مانند آوا، فرح، لیلا، مهناز، مهتاب، مریم، نازنین، نیلوفر، سارا، ستاره، پروین، یاسمین و ... همگی مستقیماً از واژگان فارسی اخذ شده‌اند. همچنین، بخش‌هایی از اسامی شهرها و مناطق بنگلادش منشاء فارسی دارند. پسوندهای گانج، پور و باگ را می‌توان سه بخش اصلی نام شهرهای بنگلادش دانست که منشأ صددرصد ایرانی دارند؛ برای مثال: نارایانگانج، کیشورگانج، سراجگانج، حاجیگانج، سونامگانج، حبگانج، چاندپور، دیناچپور، جمالپور، فریدپور، غازیپور، مهرپور، شیرپور و بسیاری دیگر. خود شهر داکا نیز نام‌های متعددی با منشأ فارسی دارد: گلشن، گلستان، گل‌باگ، لال‌بگ، هزاربگ، میرپور، مُجدپور و شاه‌باگ از این دست‌اند. حتی آشپزی بنگلادش نیز تا حد زیادی از سبک‌های غذایی ایرانی تأثیر پذیرفته و نام‌های فارسی در آن متداول است؛ مانند نان، سبزی، پلو، کباب، حلوه. جشن‌ها و آیین‌های فرهنگی و مذهبی بنگلادش نیز به‌شدت تحت تأثیر میراث فرهنگی فارسی قرار دارند. آیین‌های بومی بنگالی مانند پاهلا بایشاخ، هالکاتا، نوروز، عاشورا و فاتحه‌یازدهم تا حد زیادی از باورها و رسوم فرهنگی-مذهبی ایرانی سرچشمه می‌گیرند. مناسکی مانند آخرین چهارشنبه (عجری چارشنبه)، فاتحه‌خوانی، کول‌خوانی و مراسم چهلوم نیز ریشه‌های ایرانی دارند.^۶

از جنبه زبانی

زبان فارسی چنان در زندگی مردم این ناحیه نفوذ کرد که به دلیل تأثیر فراگیر آن، زبان اصلی محلی به‌تدریج شکل نوین زبان بنگالی را به خود گرفت. پس از تثبیت حکومت مسلمانان، زبان فارسی توسط حاکمان مسلمان به عنوان زبان دربار و اداری اعلام شد.^۷ نتیجه این امر، نفوذ هزاران واژه فارسی در زبان بنگالی بود؛ همچنین بسیاری از واژگان عربی موجود در فارسی نیز وارد دایره واژگانی بنگالی شد.^۸ علاوه بر این، بسیاری از واژه‌های جدید با ترکیب ذخیره‌های واژگانی این دو زبان پدید آمدند. یادگیری زبان فارسی برای بنگالیان به عادت فرهنگی بدل شد، زیرا این زبان با فرهنگ حکومتی ارتباط مستقیم داشت. اما با این وجود، زبان فارسی تنها زبان مسلمانان باقی نماند و نگاه تنگ‌نظرانه نسبت به آن به‌عنوان زبان مسلمانان نتوانست انگیزه یادگیری مردم را کاهش دهد.^۹ در نهایت، زبان فارسی توسط توده‌های وسیعی از مردم بنگلادش به‌عنوان یک زبان فرهنگی-ادبی پذیرفته شد.

امروزه نیز بر میزان واژگان فارسی در زبان بنگالی افزوده می‌شود؛ بخشی از این واژگان مذهبی، بخشی اداری و بخشی عمومی هستند. اگر این واژگان را از زبان بنگالی حذف کنیم، زبان ما شیوایی طبیعی خود را از دست خواهد داد. این واژگان چنان در گفتار روزانه ما رواج دارند که تقریباً حذف‌شدنی نیستند. برای مثال: چها (صورت)، آینه (آینه)، کاغذ

(کاغذ)، گرم (گرم)، تازه (تازه)، پا (پا)، کمر (کمر)، مغز (مغز)، کابریستان (قبرستان)، پیر (پیرمرد)، آواز (صدا)، باغ (باغ)، استاد (استاد)، شرم (شرم) و بسیاری واژه‌های دیگر. بنابراین، کاربرد زبان فارسی از منظر زبانی کاملاً بدیهی است.^{۱۰}

از جنبه ادبی

بخش اعظم اشعار عاشقانه‌ی دوره میانه‌ی ادبیات بنگال، ترجمه‌شده از منابع فارسی است. آثار پرسش و پاسخ نیز از منابع فارسی وارد ادبیات بنگال شده‌اند که هدف آن‌ها انتقال دانش و اخلاق است. ادبیات بنگالی به شاخه‌های متنوعی مانند مرثیه‌خوانی (مُرسیه)، کتاب‌های پوتی، زندگینامه‌ها و بیان‌های عاشقانه دیگری از ادبیات فارسی مبدل شده است. نویسندگانی چون بانکیار چاندرا، رابندرانات تاگور و ساتیاندرانات دوتا آثار خود را با بهره‌گیری از واژگان عربی-فارسی غنی کرده‌اند.^{۱۱}

ویژگی بارز شاعر ملی بنگلادش، قاضی نذر الاسلام، استفاده ماهرانه او از واژگان متعدد به‌ویژه واژگان فارسی است؛ او بهترین نمونه به کارگیری واژگان فارسی و تعبیرات فارسی در ادبیات بنگالی است. علاوه بر این، بسیاری از شاعران بنگلادش که ترجمه‌های منظوم نظامی گنجوی نظیر *اسکندرنامه* و *لیلی و مجنون* را انجام داده‌اند، گنجینه‌های ادبیات فارسی را به زبان خود معرفی کرده‌اند. در بررسی زندگی و آثار مُجید شهیدالله، مُجید برکت‌الله و منیرالدین یوسف (مترجم کامل شاهنامه فردوسی به بنگالی)، حضور زبان و ادبیات فارسی کاملاً مشهود است.^{۱۲} افزون بر این، کتاب‌های تاریخی مهم مانند طبقات ناصری، تاریخ فیروزشاهی، ریاض‌السلطنین و تاریخ بنگاله در این منطقه به زبان فارسی نوشته شده‌اند.^{۱۳}

از جنبه عرفانی

با توجه به غالبیت جمعیت مسلمان در بنگلادش، تصوف نقش عمده‌ای در مناسک مذهبی این کشور دارد. تصوف از طریق اولیای صوفی فارسی‌زبان وارد سرزمین بنگال شد و بزرگ‌ترین سهم را در گسترش اسلام در بنگلادش ایفا نمود. سهم فرهنگ و ادبیات صوفیانه‌ی فارسی در شکل‌دهی عرفان دینی بنگلادش انکارناپذیر است و زمینه‌ساز توسعه فلسفه و ادبیات مذهبی بنگالی شده است.

نگارش زندگینامه‌های صوفیان نشان می‌دهد که آنان بنیان‌گذاران واقعی زندگی معنوی بنگلادش از طریق اسلام و عمل صوفیانه بوده‌اند. پیش از ورود صوفیه، در بنگال آیین‌های بت‌پرستی هندو (باکتی)، بودیسم ساهجیه و وایشناویت رواج داشت.^{۱۴} همزمان، فلاسفه هندو نیز به نشر اندیشه‌های خود در همان مقطع، در کنار گسترش سریع تصوف در بنگلادش می‌پرداختند.^{۱۵} در پی این تعامل، بین عقاید صوفیان و هندوها هماهنگی پدیدار شد. در نتیجه، ایدئولوژی مترقی و جهانی عشق به نام باول در بنگلادش محبوب گردید و تأثیری عمیق بر فرهنگ و ادبیات بنگالی بر جای گذاشت. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که نخصت باکتی هندو به‌طور مستقیم تحت تأثیر تصوف در بنگال رشد یافته است.^{۱۶} همچنین، معتقدند که سماع صوفیان در مانیفست روشنفکری شیواجیتانیا اثرگذار بوده است. در دوره میانه، آثار تصوف در سرودهای فولکلور مانند مرشدی، عرفانی، بلاغت و مایض‌بنداری نمایان است؛ این سرودها عمدتاً بر زندگی اولیای صوفی تمرکز دارند.^{۱۷} این سرودها تا امروز بخش مهمی از حیات معنوی روستایی بنگلادش را تشکیل می‌دهند. بنابراین، تأثیر آموزه‌های صوفیانه و اشعار فارسی بر معنویت بومی بنگلادش به‌وضوح اثبات شده است.

تعلیم و تعلم زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش

در بنگال دوران باستان، فارسی نه تنها زبان ادبیات، بلکه زبان مدیریت، دین، قانون، تاریخ و سیاست نیز بود. در نتیجه، آموزش فارسی فقط یادگیری زبان نبود، بلکه حامل دانش و حکمت بود. در آن زمینه، فنون تعلیم و تربیت عمیقاً به شیوه‌ای سنتی و فلسفی ساختار یافته بودند. در آن زمان، فعالیت‌های آموزشی از مکان‌هایی مانند مکتب‌خانه‌ها، مدارس، مساجد، صومعه‌ها، خانه‌های شخصی، خانقاه‌ها و زیارتگاه‌ها انجام می‌شد. خانقاه‌ها نیز مانند مساجد به مکان‌های آموزشی تبدیل شدند.

در این زمینه، می‌توان اشاره کرد که در سال‌های ۱۲۰۲-۳ میلادی، اختیاردین محمد بن بختیار خلجی شهر رنگپور را تأسیس کرد و با ساخت مساجد، مدارس و خانقاه‌ها در آنجا، ابتکار آموزش فارسی را به دست گرفت. بعدها، تحت حمایت حاکمان مسلمان بنگال، به تدریج زبان فارسی در این منطقه توسعه، بهبود و پیشرفت یافت و پایه‌های فرهنگی ویژه مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی شکل گرفت. اولین کتاب فارسی که به زبان بنگالی نوشته شد، بحرالاحیات بود که ترجمه فارسی کتاب سانسکریت امریتکوندا بود. این کتاب بعدها با عنوان حوزولحیات به عربی ترجمه شد.^{۱۸}

در زمان حکومت مسلمانان، رسانه آموزش در مقطع ابتدایی فارسی بود. از آنجا که فارسی زبان مادری طبقه حاکم بود، آموزش ابتدایی به زبان فارسی داده شد. کتاب‌هایی که به زبان فارسی تدریس می‌شد عبارت بودند از: نسخ تعلیمیه، تعلیم عزیزی، دستور السببان، انشاء مدورم، انشاء فایق، انشاء خلیفه، رقات علمگیری، گلستان، بهار دانش، کریم، مقیم، خالق باری، بوستان، یوسف زلیخا، قصاید عرفی، دیوان غنی، اسکندر نامه، شیرین و خسرو، صبح صادق، تاریخ شاه شجاعی، بهارستان غایی، تاریخ بنگاله، تاریخ بنگاله محبت جنگی، مظفر نامه، ریاض السلاطین، لطایف گلشن هند، کلیات اختر، کلیات شاهین و... عموماً تدریس می‌شد.^{۱۹}

موضوعات مدارس فارسی از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر متفاوت بود. در دوره مغول، علاوه بر مدارس عربی و فارسی در شبه قاره هند، مدارس وجود داشتند که در آنها هم دروس عربی و هم فارسی تدریس می‌شد. به عنوان مثال، مدرسه قصبه باغ در راجشاهی هم عربی و هم فارسی تدریس می‌کرد.^{۲۰}

در آن زمان، رابطه بسیار شیرینی بین معلمان و دانش‌آموزان وجود داشت. از آنجایی که آنها اغلب با هم زندگی می‌کردند، ارتباط بین آنها مداوم بود. گاهی اوقات، حتی اگر فرصتی برای زندگی با هم نداشتند، ارتباط آنها ادامه می‌یافت. رابطه آنها مانند رابطه پدر و پسر بود. بزرگترین گواه این رابطه این است که دانش‌آموزان مجبور نبودند برای تحصیل پول منظم بپردازند. در عوض، آنها امکان اقامت و غذا خوردن در خانه‌های معلمان را به صورت رایگان داشتند. احترام عمیقی از دانش‌آموزان انتظار می‌رفت. نه تنها این، بلکه معلمان نیز انتظار خدمات شخصی از آنها داشتند. در عوض، این مسئولیت اخلاقی معلمان شد که دانش‌آموزان را در تمام موضوعات مربوط به آموزش، ماهر کنند.^{۲۱}

دانش‌آموزان با استعداد و پیشرفته در تدریس به معلمان خود نیز مشارکت داشتند. آنها به معلمان در برگزاری کلاس‌ها، حفظ نظم و ارائه درس کمک می‌کردند. آنها را مشاور دانش‌آموزان می‌نامیدند. در آن زمان، پنج تا ده دانش‌آموز در محضر اساتید درس می‌خواندند. اساتید این فرصت را داشتند که از هر دانش‌آموز مراقبت کنند. فعالیت‌های آموزشی از طریق بحث‌های متقابل بین معلمان و دانش‌آموزان انجام می‌شد. دانش‌آموزان گاهی اوقات در جستجوی معلم مناسب از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر می‌رفتند.

در دوران مدرن، آموزش و یادگیری زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش عمدتاً در نظام آموزش عالی انجام می‌شود. در حال حاضر، سه دانشگاه دولتی در بنگلادش، یعنی دانشگاه داکا، دانشگاه راجشاهی و دانشگاه چیٹاگانگ، دارای برنامه‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکتر هستند.^{۲۲} علاوه بر این، زبان و ادبیات فارسی تحت نظر مؤسسه زبان مدرن دانشگاه خولنا تدریس می‌شود. کتاب‌هایی که در این دانشگاه‌ها در برنامه‌های لیسانس، فوق لیسانس مرتبط با زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شوند عبارتند از:

کتاب‌های مرتبط با زبان و دستور: آزفا، آموزش کاربردی واژه، زبان فارسی درسهای پای، گامی به سوی نگارش، گام اول، درس فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی، مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، پیرامون زبان و زبان شناسی، دستور کاربردی، نگارش مقدماتی زبان فارسی، نامه نویسی برای همه، انشا و نامه نگاری نوین، دستور زبان فارسی مهارت نوشتن و غیره.

کتاب‌های مرتبط با ادبیات و تاریخ: تاریخ بیهقی، کشف المحجوب، اخلاق جلالی، گلستان، جوامع الحکایت، دیوان حافظ، دیوان شمس تبریزی، دیوان پروین اعتصامی، دیوان امام خمینی، پیام مشرق، مجموع کامل اشعار نیما یوشیج، اشعار سهراب سپهری، سفر نامه ناصر خسرو، سیاستنامه، قابوسنامه، رباعیات عمر خیام، شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، منطق الطیر، کلیله و دمنه، چهار مقاله، مرصادالعباد، اسرار التوحید، مناقب العارفین، فیه ما فیه، قران السعدین و غیره.

فارسی یکی از زبان‌های اصلی در آموزش مدارس در بنگلادش است. به ویژه مدارس قومی عمدتاً مدارس متوسط فارسی هستند. اگرچه مدارس علیا به مرور زمان به سمت بنگالی به عنوان زبان اردو گرایش پیدا کرده‌اند، اما تاکنون در مدارس قومی بنگلادش، در کنار ادبیات فارسی، ادبیات عرب و دستور زبان، کتاب‌های درسی مربوط به ادبیات فارسی به زبان فارسی تدریس می‌شود. علاوه بر این، کریم، گلستان و بوستان، پندنامه، دیوان حافظ و مثنوی با احترام فراوان تدریس می‌شوند.^{۲۳}

چالش‌های تعلیم و تعلم زبان فارسی در بنگلادش

ادامه آموزش و تمرین زبان فارسی در بنگلادش با چالش بزرگی روبروست. هر سال صدها دانشجو از دانشکده‌های زبان فارسی دانشگاه‌های دولتی فارغ‌التحصیل می‌شوند؛ اما واقعیت تلخ این است که پس از فارغ‌التحصیلی با فقدان نظام شغلی تضمین‌شده‌ای روبرو هستند. تعداد زیادی از بهترین استعدادهای کشور به امید آینده‌ای بی‌دغدغه و اشتغال مطمئن، از دایره آموزش فارسی فاصله می‌گیرند. امروز لازم است تعیین کاربرد عملی آن است. چنین نظام آموزش زبان خارجی باید از طریق برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت هماهنگ شود. اما برای رسیدن به این هدف، ابتدا نیاز به تغییر نگرش است؛ اینکه زبان فارسی را زائد، بی‌ربط یا بی‌کاربرد بدانیم، به توانمندی آن بی‌احترامی است.^{۲۴}

یکی دیگر از چالش‌های مهم، به‌روز نبودن محتوای آموزشی و فقدان کتاب‌های درسی مناسب است. نظام آموزشی زبان فارسی در دانشگاه‌ها باید مدرن و کارآمد شود. فقدان منابع کافی و آشنایی ناکافی با روش‌های نوین آموزشی، جایگاه زبان فارسی را در نظام فعلی تضعیف کرده است. برای رفع این نقیصه، باید معلمان، دانشجویان و پژوهشگران محترم به‌خوبی آموزش دیده شوند. همچنین باید دامنه فعالیت گروه‌های زبان فارسی گسترش یابد تا کیفیت آموزش حفظ شود.^{۲۵} در واقع، برای تعداد محدودی از دانشجویان ارائه آموزش و پرورش کیفی اهمیت بیشتری دارد تا اعطای نمره قبولی به صدها نفر؛ بدین ترتیب آن‌ها می‌توانند ارتباط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خود با زبان فارسی را درک کرده و با مطالعه و تحلیل دقیق، همه‌جانبه زبان را از ابتدا تا انتها بیاموزند.

نتیجه گیری

تاریخ زبان فارسی با تاریخ بنگلادش و زبان بنگالی درهم تنیده است. جایگزینی برای یادگیری زبان فارسی به منظور انتقال صحیح این تاریخ از نسلی به نسل دیگر وجود ندارد. تا زمانی که زبان و ادبیات بنگالی پا بر جا باشد، دانش و کاربرد زبان فارسی نیز برای شناخت تاریخ پیدایش و توسعه زبان و ادبیات بنگالی و واژگان به کاررفته در آن اهمیت خواهد داشت. در حال حاضر، بخش عظیمی از جوانان کشور به اخلاق نازیبا کشیده شده‌اند؛ از این منظر، زبان و ادبیات فارسی که مملو از عشق و اخلاق است، باید به‌طور جدی در مؤسسات آموزشی ما تدریس شود تا این جوانان گمراه را دوباره به راه راست بازگردانند. در نهایت می‌توان گفت که آموزش و فراگیری زبان فارسی اگر به‌روش درست، مدرن و مسلط برگزار شود، کار نسبتاً آسانی است. با به‌روز و دلپذیر کردن فرآیند آموزشی، معلم می‌تواند به یادگیری مؤثر زبان فارسی کمک کند. زبان فارسی در کشور ما جایگاه ممتازی دارد و باید کوشید تا این جایگاه حفظ گردد.

منابع و مأخذ

- ^۱ سرکار، محمد ابو الکلام، بنگلادش فارسی آنوباد سهیتو (ادبیات ترجمه فارسی بنگلادش)، (داکا : آسیاتیک سوسیته بنگلادش، چاپ اول، ۲۰۱۵)، ص. ۵۶-۵۷.
- ^۲ حق، دکتر محمد انامول، مسلمیم بنگلا سهیتو (ادبیات بنگالی مسلمان)، (داکا : انتشارات پاکستان، چاپ سوم، ۱۹۶۵)، ص. ۱۳۱-۱۳۲.
- ^۳ خان، عبد الصبور، بنگلای فارسی واشا سهیتو و سنسکرت بیکشیر ایتیهاش (تاریخ توسعه زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی در بنگالی)، (داکا: انتشارات رودلا، چاپ اول، ۲۰۱۷) ص. ۸۱-۸۲.
- ^۴ همان، ص. ۹۰-۹۱.
- ^۵ همان، ص. ۵۴-۵۵.
- ^۶ سرکار، محمد ابو الکلام، ص. ۳۱-۳۵.
- ^۷ خدا بخش، م.، سهمی در تاریخ تمدن اسلامی، (کلکته: انتشارات دانشگاه کلکته، ۱۹۳۰)، ص. ۱۳۰۹.
- ^۸ عبد الله، دکتر محمد، بنگلادش فارسی سهیتو (ادبیات فارسی در بنگلادش)، (داکا : اسلامی فاونشن بنگلادش، چاپ اول، ۱۹۸۳)، ص. ۱۶.
- ^۹ ساهیبی، مریم، مجله بین‌المللی مطالعات پیشرفته علمی، دوره ۲، شماره ۴. «تأثیر زبان فارسی بر زبان‌های هندی» (۲۰۲۰) ص. ۳۴.
- ^{۱۰} سرکار، محمد ابو الکلام، ص. ۳۱-۳۵.
- ^{۱۱} همان، ص. ۲۵.
- ^{۱۲} یوسف، منیر الدین، فردوسیر شاهنامه (شاهنامه فردوسی)، جلد اول، (داکا: بنگلا اکادمی، ۱۹۹۱)، مقدمه.
- ^{۱۳} عبد الله، دکتر محمد، ص. ۱۰-۱۱.
- ^{۱۴} عبد الوهاب، بنگالر پوتی : صوفی سدان و سنگیت (پوتی‌های بنگال: عرفان تصوف و موسیقی) (کلکته: راتنابالی، ۱۹۹۹)، ص. ۹۱.
- ^{۱۵} همان، ص. ۹۲.
- ^{۱۶} همان. ص. ۹۳.

- ^{۱۷} بیسواس، سوباس، تصوف در هند: رساله‌های تفسیری، (کلکته: انتشارات آشادپ، ۲۰۱۶) ص. ۱۶۷.
- ^{۱۸} الاسلام، سراج، بنگلادشر انیهایس، جلد ۳ (تاریخ بنگلادشر)، (داکا: انجمن آسیایی بنگلادشر، چپ اول، ۱۹۹۳) ص. ۳۸۸.
- ^{۱۹} ندوی، ابوالحسن، مراکز آموزشی اسلامی باستانی شبه قاره هند، ترجمه: غلام سبحان صدیقی، (داکا: بنیاد اسلامی بنگلادشر، ۲۰۰۴)، ص. ۱۰۶.
- ^{۲۰} دلیو. آدام، گزارش وضعیت آموزش و پرورش در بنگال (۱۹۳۵-۱۹۳۸) گزارش دوم، (کلکته، ۱۹۴۱)، ص. ۱۶۳.
- ^{۲۱} جعفر، اس. ام.، نظام آموزشی در هند تحت حاکمیت مسلمانان، ترجمه: رشید الفاروقی، (داکا: آکادمی بنگلا، ۱۹۸۸)، ص. ۲-۳.
- ^{۲۲} خان، عبد الصبور، ص. ۱۹۷.
- ^{۲۳} همان، ص. ۱۴۰-۱۴۱.
- ^{۲۴} حسن، مهدی و نور، تنجینا بنت، «کاربردپذیری آموزش و یادگیری زبان فارسی در بنگلادش». دفتر ویژه صدسالگی بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، (داکا: بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، ۲۰۲۲)، ص. ۲۹۶.
- ^{۲۵} همان، ص. ۲۹۷.